

تبیین زیارت بامعرفت اربعین حسینی
راهکاری برای رستگاری انسان معاصر

عباسعلی اخوان ارمکی

akhavan1330@yahoo.com

چکیده

مهم ترین اهداف ادیان الهی هدایت انسان ها به سوی رستگاری بوده است. بر این اساس، در سیره پیامبران و اولیای خدا این مهم جلوه گری کرده و همواره مورد توجه احیاءگران و مصلحان دینی قرار گرفته است. در دوران معاصر که انسان ها راه زندگی حقیقی خود را گم کرده و در چاه مشکلات گرفتار شده اند، هر کس در جستجوی روشی است که به سوی سعادت و رستگاری رهنمون شود. از آنجا که حضرت امام حسین (علیه السلام) از مقربان بارگاه الهی هستند، این سوال مطرح می شود: آیا زیارت بامعرفت اربعین حسینی می تواند راهکاری برای رستگاری انسان معاصر قرار گیرد؟ در پاسخ سوال مذکور، این فرضیه مطرح می شود که زیارت اربعین موجب ارتباط با آن حضرت است، که آن بزرگوار منشاء خیر و برکت و نزول فیض و رحمت الهی بوده و هستند. آن گونه که اگر شخصی در زمان حیات و دوران زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل البیت آن حضرت به دیدار آن بزرگواران می رفت، آنان او را به سوی خدا و معارف و کمالات الهی دعوت می کردند، بعد از مرگشان هم اگر زائری به قصد زیارت آن ها بشتابد، زائر را به سوی خدا راهنمایی کرده و علائم و نشانه های رستگاری را به او نشان خواهند داد. در این تحقیق که به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است سعی کرده ایم، با مطالعه آثار این موضوع، خیر و برکت هایی که زیارت بامعرفت اربعین برای زائران حسینی به همراه دارد و انسان معاصر را به سوی رستگاری هدایت می کند، بررسی نماییم.

واژگان کلیدی: رستگاری، زیارت بامعرفت، اربعین حسینی.

Abstract

The most important goals of divine religions have been to guide people to salvation. Based on this, in the lives of the prophets and saints of God, this importance has been highlighted and has always been the focus of religious revivalists and reformers. In the modern era, when people have lost their true way of life and are stuck in the well of problems, everyone is looking for a way to lead to happiness and salvation. Since Imam Hussain (peace be upon him) is one of the close friends of the divine court, this question is raised: Can pilgrimage with the knowledge of Hussain's Arbaeen be a solution for the salvation of contemporary man? In response to the mentioned question, this hypothesis is proposed that Arba'in pilgrimage is the cause of connection with that saint, who was and is the source of goodness and blessing and the descent of divine grace and mercy. In the same way that if a person went to visit those dignitaries during the lifetime of the Prophet (peace and blessings of God be upon him) and his family, they would invite him to God and divine knowledge and perfections, even after their death. If a pilgrim rushes to visit them, they will guide the pilgrim to God and show him the signs and symptoms of salvation. In this research, which has been carried out in a descriptive-analytical way, we have tried to study the benefits and blessings that pilgrimage with the knowledge of Arbaeen brings to Hosseini pilgrims and guides the contemporary man towards salvation.

Keywords: salvation, knowledgeable pilgrimage, Arbaeen Hosseini.

ملخص

كانت أهم أهداف الأديان السماوية إرشاد الناس إلى الخلاص. وبناءً على ذلك، في حياة أنبياء الله وقديسيه، تم تسليط الضوء على هذه الأهمية وكانت دائماً محط أنظار الإصلاحيين الدينيين والمصلحين. في العصر الحديث، عندما فقد الناس طريقتهم الحقيقية في الحياة وعلقوا في بئر المشاكل، يبحث الجميع عن طريقة تقودهم إلى السعادة والخلاص. بما أن الإمام الحسين (عليه السلام) من أصدقاء البلاط الإلهي المقربين، فإن هذا السؤال يطرح: هل يمكن أن يكون الحج بمعرفة الحسين عليه السلام حلاً لخلاص الإنسان المعاصر؟ ورداً على السؤال المذكور، يقترح هذا الفرض أن حج الأربعين هو سبب الارتباط بهذا القديس، الذي كان ولا يزال مصدر الخير والبركة ونزول النعمة والرحمة الإلهية. وبنفس الطريقة التي إذا ذهب الإنسان لزيارة تلك الوجهاء في حياة الرسول صلى الله عليه وسلم وآله، فإنهم يدعونه إلى الله والعلم والكمال حتى بعد وفاتهم. إذا هرع الحاج لزيارتهم، فإنهم سيرشدون الحاج إلى الله ويظهرون له علامات وأعراض الخلاص. في هذا البحث الذي تم إجراؤه بطريقة وصفية تحليلية، حاولنا دراسة الفوائد والبركات التي يجلبها الحج بمعرفة الأربعين لحجاج الحسيني ويوجه الإنسان المعاصر نحو الخلاص.

الكلمات المفتاحية: الخلاص، الحج العارف، الأربعين حسيني.

۱. مقدمه

در طول تاریخ، ادیان الهی برای رستگاری انسان به طور دقیق برنامه ریزی کرده و پیامبران قوانین آن‌ها را به مردم ابلاغ می‌کرده‌اند. مسیحیان عقیده دارند، مرگ حضرت عیسی (علیه السلام) فقط برای برگزیدگان و ایمان آوردندگان به او نبوده است، بلکه آن حضرت برای رستگاری جهانیان جان فدا کردند (انجیل: ۲۹/۱ نامه یوحنا) و با مرگ خود کیفر گناهکاران را به تعویق انداختند، تا انسان‌ها برای زندگی و توبه فرصت پیدا کنند. دین حضرت مسیح (علیه السلام) عمل به احکام و شریعت را برای نیل به رستگاری لازم می‌داند که در انجیل آمده است: «ای برادران من! چه فایده ای دارد، اگر کسی بگوید ایمان دارم وقتی که عمل نداشته باشد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟ پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک باشد و کسی از شما به ایشان بگوید: «به سلامتی بروید و گرم و سیر شوید» اما می‌تواند بدن را به ایشان ندهد، چه نفعی دارد؟ هم چنین ایمان نیز اگر اعمال ندارد در خود مرده است» (انجیل: رساله یعقوب، ۱۴/۲).

با ظهور هر پیامبری مردم موظف به رعایت دستورالعمل او بوده‌اند و شریعت پیامبر سابق هم منسوخ می‌شده است.

شریعت دین به این معناست که خداوند بر اساس مصالح و مفاسدی که در انجام یا ترک یک عمل نهفته، دستورهایی را ابلاغ کرده که باعث تعالی شخصیت انسان و رسیدن او به رستگاری است. در عین حال به این نکته باید توجه داشت که اجرای شریعت به تنهایی کافی نیست و باید با اعتقادات صحیح و صفای باطن همراه شود؛ به عبارت دیگر رستگاری در گرو اصلاح عقیده، اخلاق و عمل است. از دیدگاه اسلام هر انسانی با فطرت پاک به دنیا می‌آید و بار گناه ذاتی

بر دوش هیچ کس نیست. خداوند برای رستگاری بشر از گمراهی به وسیله پیامبران، به آنان، عقل و وحی عنایت کرده و قدم اول را برای بازگشت خطاکاران برداشته است؛ «...إِنَّ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (قرآن: توبه، ۱۱۸).

به فرمایش قرآن نجات از کیفر گناهان، چه آثار وضعی و چه استحقاق عقوبت، با توبه و استغفار و دعا حاصل می شود، که در قرآن آمده است: «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (قرآن: هود، ۵۲). و ای قوم، از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بر شما رحمت فراوان نازل گرداند و بر قوت و توانایی شما بیفزاید و زنهار به نابکاری و عصیان روی مگردانید.

قرآن راه رستگاری را ایمان، عمل صالح و سفارش به حق و صبر دانسته است و گروهی را بر صراط مستقیم هدایت و دسته ای را در ضلالت و گمراهی و عده ای را اهل عناد و انکار معرفی کرده است؛ اهل عناد کسانی هستند که حق را شناخته ولی با آگاهی و بصورت عمدی از پذیرش آن سرباز زده و با آن به مخالفت برخاسته اند. خداوند برای این گروه دوری از رحمت و عذاب جاودانه را در نظر گرفته است؛ «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (قرآن: بقره، ۲۵۶).

حضرت امام حسین (علیه السلام) هم فرموده اند: «لَأَفْلَحَ قَوْمٌ آثَرُوا مَرْضَاةَ أَنْفُسِهِمْ عَلَىٰ مَرْضَاةِ الْخَالِقِ» (حرانی، ۱۳۶۶: ۲۴۹) گروهی که خشنودی خود را بر خشنودی خداوند برگزیدند، هرگز رستگار نخواهند شد.

۱.۱. اهمیت موضوع

از گذشته های بسیار دور تا کنون رستگاری آرزوی دیرینه انسان ها بوده و هر کس از این مهم تصویری در ذهن خویش می پروراند است. در روزگار ما که انسان ها راه زندگی حقیقی خود را گم کرده و بدون اینکه خود از آن آگاه باشند، یک دنیا رنج و گرفتاری را بر دوش خود نهاده اند، یافتن راه رستگاری بسیار دشواری است. کار طاقت فرسا از یک طرف و زندگی ماشینی از طرف دیگر انسان را در چاه مشکلات و سرگردانی گرفتار کرده است.

با این حال همه در جستجوی رستگاری هستند و به ظاهر ادعا می کنند، می توانند به رستگاری این گمشده نسل ها و عصرها برسند.

از آنجا که حضرت امام حسین (علیه السلام) از مقربان الهی هستند، که به فرموده حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) زائری که آن حضرت را بامعرفت زیارت کند، برای او هزار حج و هزار عمره مورد قبول نوشته می شود و اگر بدبخت باشد او را در زمره رستگاران قرار می دهد و پیوسته درون رحمت و بخشایش خدای بلند مرتبه خواهد بود (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۳۵۵)، بررسی نقش زیارت بامعرفت اربعین حسینی راهکاری برای رستگاری انسان معاصر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۲.۱. سؤال های تحقیق

۱. آیا تبیین زیارت بامعرفت اربعین حسینی می تواند راهکاری برای رستگاری انسان معاصر قرار گیرد؟

۲. منظور از زیارت بامعرفت چیست؟

۳. زیارت با معرفت اربعین چه نتایجی برای زائران حسینی دارد، که باعث

رستگاری آن‌ها می‌شود؟

۳.۱. پیشینه تحقیق

درباره نقش زیارت تحقیقات بسیاری انجام شده، که حاصل آن چندین مقاله و کتاب شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

در سال (۱۳۹۲) امینی، نرجس و همکارانش تحقیقی با عنوان «بررسی جایگاه زیارت در مهندس فرهنگی» انجام داده‌اند. نویسندگان این تحقیق با بیان نقش زیارت در بهبود وضعیت‌های روحی و روانی افراد جامعه، لزوم رویکرد جدی به زیارت به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگ ساز را ضروری می‌دانند.

همچنین، در سال (۱۳۹۷)، ناصح ستوده، پژوهشی با عنوان «فلسفه زیارت و نقش آن در جامعه دینی» انجام داده است. نویسنده در این تحقیق با هدف ایجاد بستر ذهنی مناسب نسبت به جایگاه ولایت و هرگونه پیوند و ارتباط با اهل‌البیت (علیه السلام)، در سطح کلان جامعه و اعطای دید روشنی نسبت به فلسفه زیارت و تأثیرات سازنده آن، به آحاد جامعه پرداخته است.

محقق با مفروض گرفتن جایگاه والای زیارت در نگاه قرآن، احادیث و اهل‌البیت (علیه السلام)، تلاش نموده است، تا فلسفه زیارت و تأثیرات سازنده آن را در دو بعد فردی و اجتماعی و نیز در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار دهد.

۴.۱. هدف تحقیق

از آنجا که زیارت با معرفت اربعین حسینی، باعث تزکیه نفس انسان می‌شود و او را به سوی سعادت سوق می‌دهد، هدف از این پژوهش ارائه راهکاری مناسب

برای رستگاری انسان معاصر است.

۲. تعاریف واژگان

۱،۲. زیارت اربعین حسینی

زیارت که به زبان انگلیسی آن را «pilgrimage» گویند، واژه‌های عربی است که استفاده از آن در زبان فارسی نیز با همین ماده و شکل معمول شده است. زیارت به معنای دیدار کردن با شخص بزرگ و محترم، بازدید کردن، به مشاهده بقاع متبرکه رفتن، دعاییکه به عنوان تشریف باطنی برای امام، امامزاده و اولیاء خوانند، آورده شده است (معین، ۱۳۵۴: ج ۲، ۱۷۶۷).

در اصطلاح دینی، زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد و این معنا در مرتبه برتر و کامل خود اقبال قلبی، فکری، روحی، اخلاقی و عملی نسبت به مزور را با خود دارد (طریحی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۰۵). در دعای «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِكِ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۸۱، ۳۷۷). زیارت به معنای قصدکنندگان به سوی او، پناه آورندگان به درگاهش تفسیر شده است (طریحی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۰۴).

زیارت سه رکن اساسی دارد:

۱. زائر؛ شخصی که میل یا گرایش به چیزی یا کسی دارد.
۲. مزور، یعنی؛ شخص یا چیزی که میل به سوی اوست.
۳. خصیصه ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است.

بدیهی است هرچه ارکان سه گانه فوق از بنیان و اساس محکم تری برخوردار باشند، حقیقت زیارت و آثار آن آشکارتر خواهد بود.

حضرت امام حسین (علیه السلام) و یارانش در سال (۶۱) هجری در کربلا به شهادت رسیدند و خانواده آن حضرت را به اسارت بردند. آنان بعد از چهل روز برای زیارت شهدا به کربلا بازگشتند. از آن روز تاکنون از گوشه و کنار دنیا در روز اربعین برای زیارت آن حضرت به سوی کربلا حرکت می کنند و چند سالی است که با پای پیاده زائران حسینی برای شرکت در این مراسم و پیمان بستن با اهداف آن امام همام به سوی کربلا می شتابند. همچنین زیارت نامه ای هم با همین عنوان برای این روز وارد شده است.

۲،۲. معرفت

معرفت در لغت، به معنی شناختن، شناسایی، علم و دانش، ادراک امر جزئی یا بسیط است (معین، ۱۳۵۴: ج ۵، ۲۱۳).

معرفت، از مفاهیم بدیهی و غیرقابل تعریف است. دلیل این که شناخت قابل تعریف نیست، به خاطر آن است که گفته اند: ما همه چیز را به علم می شناسیم، اگر بخواهیم علم را به علم تعریف کنیم، این تعریف دور مصرح خواهد بود و اگر بخواهیم به غیر علم بشناسیم، لازم است آن غیر علم را توسط علم بشناسیم، آنگاه علم را به وسیله آن بشناسیم، چنان تعریفی نیز به مثابه دور مصرح است. پس آنچه در تعریف معرفت و یا علم گفته می شود، تعریف حقیقی نبوده، بلکه تعریف تشبیهی است.

بدون شک تحقق معرفت متوقف بر اموری است. اولین اموری که تحقق معرفت مستلزم آنهاست، معلوم، عالم و علم است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۷).

۱. معرفت، در فلسفه اطلاق بر معانی زیر است:
 ۴. ادراک مطلق اعم از تصور و تصدیق
 ۵. تصور تنها که آن را معرفت و تصدیق را علم گویند.
 ۶. ادراک جزئی
 ۷. ادراک جزئی از روی دلیل که آن را معرفت استدلالی می گویند.
 ۸. ادراک دوم از چیزی که اول ادراک کرده باشند و بعد از فراموش کردن مجددا متذکر شوند.
 ۹. ادراک بعد از جهل که ادراک مسبوق بعد گویند (هجویری ۱۳۶۳: ۳۴۲).
- قشیری گفته است: «معرفت علم بود و همه علم معرفت بود و هر که به خدای عزوجل علم بود عارف بود و هر که عارف بود عالم بود و به نزدیک این گروه، معرفت صفت آن کس بود که خدای را بشناسد به اسماء و صفات او. پس صدق در معاملات به جای آرد. پس از خوی های بد دست بدارد» (هجویری، ۱۳۶۳: ۵۴۰).
- معرفت یا حسی و یا عقلی است، معرفت حسی، معرفتی است که از راه حواس ظاهری نسبت به اشیاء خارجی حاصل می شود. اما معرفت عقلی مدرکات کلی عقل است.
- در اصطلاح عرفانی معرفت شهودی است که در مقابل معرفت استدلالی است و مراد همان برهان صدیقین است، که از شهود ناصب آیات و موجد آنها به ذات خود موجود می برند.
- همچنین، معرفت کشفی یا عیانی معرفتی است که در آن حال تمام شکوک و شبهات از پیش سالک حق بین برخیزد و به کشف و عیان ببیند، آنچه را به

نظر و استدلال نتوان دانست. پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: « الشَّرِيعَةُ أَقْوَالِي وَ الطَّرِيقَةُ أَفْعَالِي وَ الْحَقِيقَةُ أَحْوَالِي وَ الْمَعْرِفَةُ رَأْسُ مَالِي » (محدث نوری، ۱۴۰۷: ج ۱۱، ۱۷۳) شریعت سخنان من، طریقت کار های من، حقیقت حالات من و معرفت از همه بالاتر است.

۳،۲. رستگاری

رستگاری، در فرهنگ نامه ها به معنای آزادی، رهایی و نجات یافتن آمده است. این واژه معادل کلمه فلاح در عربی است. فلاح را فوز و بقای در نعمت و خوبی معنی کرده اند (معین، ۱۳۵۴: ج ۱، ۱۴۵۶). مراد از رستگاری دستیابی به خیر و بقای همیشگی در نعمت و خوبی است، که کامل این نعمت ها در آخرت حاصل می شود.

۴،۲. تبیین

تبیین به معنی، بجای آوردن، شناختن، آشکار کردن، روشن شدن، روشنگری و هویدا شدن آمده است (معین، ۱۳۸۶: ج ۱، ۱۰۲۴).

۵،۲. زنده و شاهد بودن حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)

اگر چه برخی از افراد و فرق مذهبی بر این باورند که انسان بعد از مرگ، عملش قطع می شود و این فرق نمی کند، چه کسی باشد؛ می خواهد پیامبر و اولیای الهی و یا از مردم عادی باشد. هیچ اثری بر حیات زندگان ندارد و نمی تواند عنایتی به بازماندگان داشته باشد؛ دعا، شفاعت و استغاثه و استغفار برای خود و دیگران از آنها ساخته نیست و مثل سنگی هستند که در کنار دیواری افتاده باشد، ولی حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرموده اند: « هر ولی و

پیامبری که از دنیا برود، خداوند بعد از سه روز روح و گوشت و استخوان و جسد او را به آسمان می برد. آنان زنده اند، مردم به زیارت محل دفن آنها می آیند و یا از راه دور بر ایشان سلام می فرستند، آنها سلام را می شنوند و بر زندگی مردم اشراف کامل دارند» (محدث نوری، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ۸۶).

در قرآن هم آمده است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (قرآن، ۱۳۳۸: احزاب، ۵۶) خدا و ملائکه الهی بر پیامبر درود و سلام می فرستند، شما مومنان هم بر او سلام و درود بفرستید و کاملا تسلیم فرمان او باشید.

این آیه دلالت بر حیات پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) دارد که مومنان را موظف کرده است، تا بر او سلام کنند و حیات و ممات هم شرط نشده است. لذا؛ در نماز هم موظفیم بگوییم: «السلام علیک ایها النبی و رحمہ اللہ و برکاتہ» یعنی؛ هم بر پیامبر (ص) و هم بر آل او درود بفرستیم.

قرآن هم شهدا را زنده معرفی کرده است؛ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (قرآن، ۱۳۳۸: آل عمران، ۱۶۳) یا «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ» (قرآن، ۱۳۸۸: بقره، ۱۴۹).

«ملا احمد نراقی» در «معراج السعاده» آورده است: «بدان که نفوس قدسیه، خصوصا نفوس مقدمه انبیاء و ائمه (علیه السلام) هرگاه از ابدان شریفه خود رحلت نمودند و دست از بدن برداشتند و صعود به عالم بالا نمودند، نهایت احاطه و غایت استیلا، براین عالم از برای ایشان حاصل می شود و تمامی امور این عالم در نزد ایشان منکشف و ظاهر می گردد و تمکن از تصرف و تاثیر در این عالم، از برای ایشان حاصل می شود. پس هر که به قبور مطهره ایشان حاضر شد به جهت زیارت ایشان، بر او مطلع می گردند و از احوال زوار مرقد مطهرشان استحضار

تمام دارند و سوالات و تضرعات و توسلات ایشان را می شنوند و نظر به رأفت و مهربانی ایشان نسبت به مخلصان، نسیم الطاف ایشان بر آنان می وزد. پس دامن شفاعت به میان می زنند و از خدا طلب حوائج ایشان را می نمایند و همین سر در ترغیب به زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیه السلام) است» (نراقی، ۱۳۶۶: ۷۰۳).

۶،۲. زیارت بامعرفت

«محمد بن ابی نصر بنطی» نقل کرده است: در کتاب امام رضا (علیه السلام) خواندم که فرمودند: «ابلق شیعتی: انّ زیارتی تعدل عندالله عزّ و جلّ الف حجه، فقلت لابی جعفر الف حجه؟ قال: ای واللّه، و الف الف حجه، لمن زاره عارفا بحقه» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۴۵). به شیعیان من بگو که زیارت قبر من معادل هزار حج است. من این مطلب را به امام جواد (علیه السلام) عرض کردم و گفتم: که آیا واقعا ثواب زیارت قبر پدرتان معادل هزار حج است؟ فرمودند: نه هزار حج، بلکه هزار هزار حج، به شرط این که عارف به حق او باشند. همچنین، حضرت امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: «فَمَنْ زَارَهُ مُسَلِّمًا لِأَمْرِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا كَشُهَدَاءِ بَدْرٍ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۹، ۴۱)

نکته ای که در این روایات وجود دارد و ارزش و اهمیت زیارت را مشخص می کند «معرفت و شناخت» است. حضرت امام حسین (علیه السلام) از جد بزرگوارش نقل فرموده اند: «المعروف بقدرالمعرفة» (مجلسی: ۱۴۰۰: ج ۴۴، ۱۹۶) ارزش هر کار خوبی به قدر معرفت صاحب آن فرد است. حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده اند: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَلَا مَعْرِفَةً إِلَّا بِعَمَلٍ فَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ إِلَّا إِنَّ الْإِيمَانَ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۱، ۱۲۰۶) خداوند عزّ و جلّ عمل را

بدون علم و شناخت نمی پذیرد و شناخت و معرفتی بدون عمل نیست. یعنی؛ اگر علم بدون عمل باشد، اصلاً علم نیست و کسی که عمل نمی کند معرفتی برای او نیست. همانا ایمان بعضی از بعض دیگر و مربوط به هم است.

حدیث فوق بیانگر این حقیقت است که: خداوند هیچ عملی را بدون معرفت نمی پذیرد؛ زیرا معرفت روح عمل است. همچنین، اگر کسی عارف و عالم باشد، ولی به معرفت خود عمل نکند، علم او اثر نداشته و در حکم معدوم است.

۳. عوامل رستگاری از دیدگاه قرآن

برخی از اصولی که باعث رستگاری انسان می شود و در قرآن آمده است، عبارتند از:

۱-۳. جهاد در راه خدا

خداوند در قرآن می فرماید: «و جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن: مائده، ۳۵) همچنین، قرآن می فرماید: «لَكِنَّ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (قرآن: توبه، ۸۸).

۲،۳. پایداری در مقابله با دشمن

پایداری در مقابله با دشمن نتیجه اش رسیدن به سعادت است. خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن: انفال، ۴۵).

۳،۳. دوستی با دوستان خدا و رسولش (ص) و دشمنی با دشمنانشان

در قرآن آمده است؛ «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (قرآن: مجادله، ۲۱ و ۲۲).

۴،۳. صبر و شکیبایی

خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن: آل عمران، ۲۰۰).

۵،۳. وفای به عهد

در سوره مؤمنون از جمله هفت صفتی که برای مؤمنان رستگار شمرده است، وفای به عهد و پیمان است «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (قرآن: مؤمنون، ۸)..

۶،۳. دادن زکات

خداوند در سوره «اعلی» فرموده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (قرآن: اعلی، ۱۵).

مصدق دیگر برای این موضوع انفاق در راه خدا است، در سوره روم آمده؛ «فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهٗ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لِّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (قرآن: روم، ۳۸).

۷،۳. اهمیت دادن به نماز

از عوامل بسیار مهم رستگاری، نماز است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (قرآن: مومنون، ۱)
همچنین؛ در سوره حج آمده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن: حج، ۷۷).

۴. تبیین زیارت بامعرفت اربعین حسینی راهکاری برای رستگاری

انسان معاصر

از آنجا که پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) و اهل البیتش (علیه السلام) به بارگاه حق تعالی راه یافته و از مقربان مستجاب الدعوه و مظاهر کامل و جامع اسماء حسناى الهی هستند، زیارت آنها برای رستگاری انسان مفید و کارساز است؛ آن گونه که در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (قرآن، ۱۳۳۸: مائده، ۳۹) ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی پیشه کنید و (برای تقرب به او) وسیله بجوئید. حضرت علی (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرموده اند: «من آن وسیله هستم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۴: ج ۳، ۷۵).

حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرموده اند: «کسی که قبر امام حسین (علیه السلام) را بامعرفت زیارت کند، برای او هزار حج و هزار عمره مورد قبول نوشته می‌شود و اگر بدبخت باشد او را در زمره رستگاران قرار می‌دهد و پیوسته درون رحمت و بخشایش خدای بلند مرتبه خواهد بود (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۳۵۵).

زیارت بامعرفت اربعین موجب ارتباط با امام حسین (علیه السلام) است که

آن بزرگوار منشاء خیر و برکت و نزول فیض و رحمت الهی هستند. زیرا حیات اولیاء خدا پس از مرگشان هم، تمامی آثار و برکات حال حیاتشان را دارد. همان گونه که در حال حیات و دوران زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیه السلام) اگر زائری به زیارت آن بزرگواران می رفت، هرگز آنان اشخاص را به خود نخوانده، بلکه به خدا و معارف و کمالات الهی دعوت می کردند، بعد از مرگ آنان هم اگر زائری به قصد زیارت آنها بشتابد، آنها زائر را به سوی خدا راهنمایی کرده و علائم هدایت و نشانه های رستگاری را به او نشان خواهند داد.

زیارت بامعرفت اربعین به دلایل زیر می تواند الگویی برای رستگاری انسان معاصر قرار گیرد:

۱.۴. شناخت حضرت امام حسین (علیه السلام) راهکاری برای رستگاری در زیارت اربعین می خوانیم: «السَّلَامُ عَلٰی وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلٰی خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ السَّلَامُ عَلٰی صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيهِ . السَّلَامُ عَلٰی الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلٰی اَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ اللَّهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُ . اَنَّهُ وَلِيُّكَ وَ ابْنُ وَلِيِّكَ وَ صَفِيُّكَ وَ ابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ اَجْتَنَبْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ اَعْطَيْتَهُ مَوَارِثَ الْاَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلٰی خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِيَاءِ» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۴۸). سلام بر ولی خدا و دوست او. سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او. سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش. سلام بر حسین مظلوم و شهید. سلام بر آن بزرگوار که به گرفتاری ها اسیر بود و کشته اشک روان گردید. خدایا! من براستی گواهی دهم که آن حضرت ولی تو و فرزند ولی تو بود و برگزیده ات و فرزند برگزیده ات بود که کامیاب شد.

به بزرگداشت تو، گرامیش کردی به وسیله شهادت و مخصوصش داشتی به سعادت و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند و میراث های پیامبران را به او دادی و از اوصیایی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی.

اولین شرط رسیدن به رستگاری، داشتن الگویی کامل است، تا انسان او را سرمشق خویش قرار دهد. زائر اربعین حسینی بر این عقیده است که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) انسان کاملی است که از طرف خداوند برای هدایت بشر انتخاب شده و جانی ملکوتی دارد که پیوسته با عالم اعلی در ارتباط است؛ آنگونه که حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «کسی که قبر امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند، در حالی که می داند، او امامی است که از ناحیه خداوند، اطاعتش بر بندگان واجب است، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد و شفاعت او را در باره پنجاه انسان گناهکار می پذیرد و هر حاجتی که در نزد قبر او از خداوند خواسته شود، اجابت می گردد» (شیخ طوسی، ۱۴۰۱: ج ۶، ۱۰۸).

عارف نامی «میرزا جواد ملکی تبریزی» شناسایی امام و ولایت او را شرط اصلی در صحت عمل و قبولی آن می دانستند و عقیده داشتند: «اگر بنده ای تمام روزگار خود را روزه بدارد و تمام عمرش را به نماز و عبادت و حج قیام کند و تمام مال خود را صدقه دهد، وقتی امام زمان خود را نشناخته باشد، یا او را دوست نداشته باشد و این اعمال را به دلالت و راهنمایی او نیاورده باشد، از او پذیرفته نمی شود» (ملکی تبریزی، ۱۳۶۸: ج ۲، ۲۱۵).

حضرت امام جواد (علیه السلام) معرفت به امام را این گونه تفسیر کرده اند: «عَارِفًا بِحَقِّهِ يَعْلَمُ أَنَّهُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ بَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ»

(مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۹، ۳۷). عارف به حق امام (علیه السلام) یعنی؛ علم به این که او حجت الهی برای مردم است و در پرتو این برهان باهر است که همه چیز روشن می شود.

حضرت امام حسین (علیه السلام) نشانه راستین حضرت حق در جهان و وسیله نجات و راه یابی خلق به سوی خالق هستند و چون خداوند متعال آن حضرت را وسیله نجات و هدایت خلق قرار داده، قطعاً باید عمل به اوامر او را واجب و مخالفت با دستوراتش را حرام دانست. شناخت امام و ولایت او آن قدر اهمیت دارد، که زائران محروم از شناخت آن، هرگز «وفد» و مهمان الهی نبوده و از ضیافت معنوی برخوردار نمی شوند.

بی تردید اولیای خدا طهور و عامل پاکی قلب هستند. آن گونه که در زیارتشان می خوانیم: «صلی الله علی روحک و بدنک طهر طاهر مطهر من طهر طاهر و مطهر» (شیخ طوسی، ۱۴۰۱: ج ۶، ۲۷). همان خاندانی که به اراده الهی از طهارت خاص برخوردار شده و همه رجس ها از محدوده وجودی و قلمرو هستی آنان زدوده شده است؛ «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (قرآن، ۱۳۳۸: احزاب، ۳۳) خداوند می خواهد آلودگی را از شما خاندان بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

زیارت اربعین حسینی که بستری مناسب برای حضور در محضر اولیای خدا و آشنایی و تثبیت و تحکیم ولایت است، پاکی و طهارت نفس انسان را به همراه دارد. در برخی زیارت نامه ها اولیای خدا «عین الحیاه» (شیخ طوسی، ۱۴۰۱: ج ۶، ۸۰) معرفی شده اند و این بدان علت است، که ولایت منبع حیات ملکوتی و جان انسانی است که در سایه الله، حیات و زندگی انسانی معنا پیدا می کند. اگر انسان بخواهد از تیرگی ها رهایی یابد، چاره ای جز پیوند با آنان ندارد. در

زیارت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) می خوانیم، «فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكِ إِلَّا الْحَقَّتْنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّآ قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِكَ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۱: ج ۶، ۱۰) از شما درخواست می کنیم که اگر ما شما را تصدیق کردیم و اهل صداقت و تصدیق بودیم، پس ما را مزدگانی دهید، تا ما هم خود را بشارت دهیم، در سایه ولایت شما، چنین طهارتی به ما دست داده است.

همچنین آن بزرگواران «طاهر»، «مطهر» و «طهور» معرفی شده اند؛ زیرا با توسل به آنان، کدورت و تیرگی های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری از وجود انسان پاک و زدوده می شود. بنابراین، نقش زیارت در این رابطه بسیار والاست که هم انسان را به چشمه زندگی متصل می کند و هم در زلال حقیقت طهور پاکیزه می سازد.

شناخت حضرت امام حسین (علیه السلام)، در حقیقت درک و آگاهی به حق ولایت ایشان است؛ زیرا آنان از ما به ما و مصالحمان آگاه ترند؛ زیرا که آگاهی آن ها شهودی است و محبتشان غریزی و محدود نیست، بلکه ربوبی است. آن بزرگواران از همه کشش های نفسانی آزادند. آنان به راه های آسمان آگاه تر از زمین هستند. تلفیق این آگاهی و آزادی عصمت می شود و همین زیربنا و رمز پذیرش ولایت و تسلیم در برابر اوست.

شناخت حق معرفت حضرت امام حسین (علیه السلام) این چنین است که بدانی آن بزرگوار امام واجب اطاعه و زنده می باشد و تو را می بیند و نجوایت را می شنود و شاهد اعمال زائران و بندگان است.

۲،۴. زیارت اربعین و اظهار محبت به امام حسین (علیه السلام) محبت ادامه معرفت است. با درک آن امام بزرگوار و آگاهی از مقام ولایتشان، محبتشان دردل می نشیند و عشق به آن حضرت که عشق به همه خوبی ها و زیبایی هاست، در قلب آدمی ریشه می گستراند.

«ابوبکر حضرمی» نقل کرده، که امام محمدباقر (علیه السلام) فرموده اند: «هر کس می خواهد بداند که از اهالی بهشت است، باید محبت ما را بر قلبش عرضه کند؛ اگر آن را قبول کرد، پس او مومن است و هر کس که عاشق ما باشد می باید رغبت و میل به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) داشته باشد. زیرا اگر کسی زائر حسین (علیه السلام) باشد، ما عشق و محبت او را نسبت به اهل البیت (علیه السلام) می فهمیم و همانا او از اهل بهشت خواهد بود (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۹۳). یکی از راهکارهایی که باعث رستگاری زائران اربعین می شود، اظهار محبت و ارادت به اولیا خدا و آشکار کردن دشمنی و عداوت با دشمنان و معاندان آنان است. به عبارت دیگر تولی و اظهار دوستی به اهل البیت (علیه السلام) و اظهار عداوت و بیزاری از دشمنان آنان نشانه معرفت زائر است.

هنگامی که زائر اربعین به وسیله محبت، به سیدالشهدا (علیه السلام) نزدیک می شود، درحقیقت به خصایص و اخلاق و رفتار آن بزرگوار نزدیک شده و آنجا که از دشمنانش بیزاری می جوید، در واقع از خصلت ها و اوصاف ناشایسته این افراد گریزان شده است، که این شیوه عملی در افزایش معنویت و قرب به کمال زائر بسیار مؤثر است.

برای ایجاد و تثبیت محبت و دوستی اهل البیت (علیه السلام)، زیارت آن بزرگواران توصیه شده است. زیارت اربعین امام حسین (علیه السلام) نه تنها افکار و آرمان ها را هم جهت می سازد، بلکه دل ها را هم همسو می کند. اگر دلی زیارت آن بزرگوار را آرزو کرد، این نماد اجابت الهی به دعای حضرت ابراهیم

(علیه السلام) است، که وقتی آن حضرت، حضرت اسماعیل و هاجر را در کنار بیت عتیق رها کردند، دست به دعا برداشتند و از خدا خواستند که دل های مردم به سوی آنها گرایش یابند. (قرآن، ۱۳۳۸: ابراهیم، ۳۷) گرچه ظاهر این دعا حضرت هاجر و اسماعیل هستند، اما تأویل این است که خداوند دل ها را به سوی اهل البیت (علیه السلام) متمایل کرده، تا دوستی و ولایت آنها در دلشان ایجاد شود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «آسایش و راحتی، کامیابی و رستگاری و پیروزی، برکت و گذشت و تندرستی و عافیت، بشارت و خرمی و رضایتمندی، قرب و خویشاوندی، یاری و پیروزی و توانمندی، شادی و محبت، از سوی خدای متعال، بر کسی باد که علی بن ابیطالب (علیه السلام) را دوست بدارد، ولایت او را بپذیرد، به او اقتدا کند، به برتری او اقرار نماید، و امامان پس از او را به ولایت خود بپذیرد. بر من است که آنان را در شفاعتم وارد کنم. بر پروردگار من است که خواسته مرا درباره آنان اجابت کند. آنان پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند، از من است» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۲۷، ۹۲). بنابراین، دوستی حضرت امام حسین (علیه السلام) که همان دوستی خداست، باعث ایجاد معنویت در روح انسان می شود. در این باره «جابر بن عبدالله انصاری» به عطیه کوفی گفت: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هرکس قوم و مردمی را دوست داشته باشد، با آنها در عملشان شریک است (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۵۶، ۱۳۱). لذا؛ در زیارت نامه ها می خوانیم: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۱۶۶). ای کاش با شما بودم و به رستگاری عظیمی نایل می شدم.

آنچه می توان براین موضوع افزود، درک این نکته است که این محبت دو طرفه است. این گونه نیست که فقط ما آن بزرگواران را دوست داریم، بلکه آن ها هم به ما محبت دارند و حتی از ما به ما مهربان تر هستند.

۳،۴. زائر اربعین و اظهار برائت از ستمکاران برای رستگاری

در زیارت اربعین می خوانیم: «...وَاطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفَكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا وَعَذَّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۴۸) و پیروی کردند از میان بندگان آنانی را که اهل نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه بدوش می کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند. آن حضرت با شکیبایی و پاداش جویی با آنها جهاد کرد تا خونس در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد. خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی وبال دار و به عذابی دردناک، عذابشان کن.

«تولی» و «تبری» لازم و ملزوم یکدیگرند، که اگر یکی از آن دو نباشد، دیگری هم ارزشی نخواهد داشت. راز اسرار تبری در زیارت نامه ها در همین نکته نهفته است، که تولی خالصانه و بی شائبه باشد و دوستی با انحرافات فکری و اخلاقی آلوده نگردد. زائر اربعین حسینی (علیه السلام) در هنگام زیارت، بیزاری خود را از دشمنان آن حضرت اعلام می دارد. آن گونه که در زیارتنامه خطاب به آنان می گوئیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي وَ الْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ أُبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِوِلَايَتِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةً اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۵۶) گواهی می دهم که تو امام راهنما و سرپرست ارشادکننده هستی، در پیشگاه خداوند از دشمنانت بیزاری می جویم و در یرتو ولایت و دوستی تو، به درگاه الهی تقرب می نمایم، صلوات و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

یا در زیارت عاشورا می خوانیم: «وَوَالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴).

در اغلب زیارت نامه ها برای شناسایی دشمن، آنان را دسته بندی کرده و

بیزاری خود را از هر دسته اعلام می دارند، برای مثال؛ در زیارت عاشورا دشمنان را به گروه های زیر تقسیم بندی کرده اند:

الف. گروهی که اساس ظلم و ستم معرفی شده و حق اهل البیت (علیه السلام) را غضب کرده اند؛ « فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّتًا أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرَ عَلَیْكُمْ أَهْلَ البَیْتِ (علیه السلام) » (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۵) این گروه بودند که جریان سقیفه را به وجود آوردند و ثمره منحوس آن جریان، کشته شدن فرزند دلبند پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کربلا بود.

ب. گروهی که به طور مستقیم در شهادت امامان معصوم (علیه السلام) دست داشتند و به آنها ظلم و ستم کردند؛ « وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ » (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴).

ج. گروهی که عالمانه حق ولایت را از اهل البیت (علیه السلام) سلب کردند. این گروه کسانی بودند که با انگیزه های انتقام جویی اجازه ندادند، تا ائمه معصومین (علیه السلام) از موقعیت خلافت و ولایت الهی که به آنان سپرده شده بود، برای سعادت انسان ها بهره بگیرند و آنها را از این مقام و جایگاه دور ساختند. از این گروه این گونه اظهار انزجار می کنیم: « وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَن مَقَامِكُمْ وَ أَزَالَتْكُمْ عَن مَرَاتِبِكُمْ الَّتِی رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِیْهَا ». (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴).

د. گروهی که زمینه ساز ظلم به اهل البیت (علیه السلام) بودند. این گروه با آماده سازی و ایجاد فضای تبلیغاتی، مردم را علیه امام (علیه السلام) می شوراندند و با تهمت و افترا مردم را تحریک می کردند. لذا؛ در زیارت نامه ها می خوانیم: « وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِیْنَ لَهُمْ بِالتَّمْكِیْنِ مِنْ قِتَالِكُمْ » (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴). هـ. گروهی که از روی نادانی در کشتن ائمه معصومین (علیه السلام) شرکت

کرده اند. حضرت امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «لَّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۲۲، ۲۷۴) گروهی برای نزدیک شدن به خدا، حسین بن علی را به شهادت رساندند. این عبارت، بیان کننده آن است که عده ای از روی نادانی و سفاقت در دام سیاستمداران زمان خود قرار گرفتند و برای دنیای ناچیز-که هرگز به آن هم نرسیدند-به دشمنی با امام (علیه السلام) پرداختند و آن عزیز را به شهادت رساندند. چنانکه عمرسعد در صبح روز عاشورا به لشگریان خود می گفت: «ای لشگر خدا سوار شوید، که شما را به بهشت بشارت می دهم» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۴۴، ۳۹۱). لذا؛ در زیارت عاشورا می خوانیم؛ «وَلَعْنَةُ اللَّهِ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴).

و. گروهی که با شنیدن خبر شهادت امام (علیه السلام) به این عمل رضایت دادند. این گروه کسانی بودند که در صف دشمن نبودند و اقدام عملی هم انجام ندادند، اما اندیشه و حرکت ظالمان را تأیید کردند. این افراد در تمام زمان ها بوده و هستند. لذا؛ انزجار خویش را از آنان هم اعلام می داریم؛ «و لعن الله امه سمعت، بذلک فرضیت به» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴).

۴،۴. اساس رستگاری زائر اربعین در پیروی کامل از امام حسین (علیه السلام) در زیارت اربعین درباره حضرت امام حسین (علیه السلام) آمده است: «بَدَلْ مُهَجَّتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۵۰). خون خود را در راه تو نثار کرد، تا بندگان از دریای ضلالت و جهالت نجات یابند. برای رستگار شدن پیروی از الگوی کامل لازم است، زیرا انسان همواره نیازمند اسوه و الگوست، تا عقاید خود را بر عقیده او و اخلاق خود را بر خلق او و رفتار خود را بر کردار او منطبق سازد.

قرآن هم پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به عنوان بهترین الگو معرفی کرده و فرموده است: «قَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (قرآن، ۱۳۳۸: احزاب، ۲۱).

در مقام ولایت که باطن هر مقام است، اعم از نبوت و رسالت و امامت میان رسول خدا و عترت ایشان تمایزی نیست، بلکه تمایز در نبوت و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. با این معیار امام حضرت حسین (علیه السلام) که انسان کامل هستند، الگو و سرمشقی برای جامعه انسانی خواهند بود.

با معرفت و محبت آن بزرگوار به ولایت و سرپرستی آن حضرت می‌رسیم. ولایت نه به معنای محبت که به معنای سرپرستی و تولیت در امور و امامت و پیشوایی است؛ یعنی؛ سرپرستی و حاکمیت آن امام بزرگوار بر فرد و جامعه، بر فکر و احساس و عمل و بر این اندیشه و در تمام زندگی باید خود را نشان دهد. که حضرت

امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «امام، زمام دین و باعث تحکیم نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. امام اساس اسلام پویا و زنده و شاخه بلند آن است. کامل شدن نماز و زکات و روزه و جهاد و زیاد شدن غنائم و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگاه داری مرزها به وسیله امام صورت می‌گیرد. امام حلال و حرام خدا را برای مردم بیان کرده و حدود خدا را برپا داشته و از دین خدا دفاع می‌کند و مردم را از راه حکمت و موعظه به راه خدا دعوت می‌کند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۶).

به همین علت زائر اربعین حسینی وظیفه خود می‌داند، تا سنت و سیرت امام حسین (علیه السلام) را بیاموزد و می‌کوشد تا بر سنت و سیرت آن حضرت باشد و از اخلاق، منش و روش مخالفان و دشمنانشان دوری کند. زائر اربعین

حسینی زمانی رستگار خواهد شد، که اوصاف والای انسانی و الهی آن امام (علیه السلام) را بشناسد و از شایستگی هایش آگاه گردد. بنابراین؛ وظایف زائر اربعین، اعتراف به فضایل و کمالات امام از یک طرف و اقرار به ضلالت و بی کفایتی دشمنان و مخالفانش از طرف دیگر است. چنانکه در برخی زیارت نامه ها عبارت «عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ»، «مَقْرَرٌ بِفَضْلِكُمْ» و «مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُم» (شیخ صدوق، ۱۳۹۲: ج ۲، ۶۱۴) در کنار هم آورده شده است. در این باره امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «اگر کسی تمام شب به عبادت برخیزد و هر روز روزه بدارد و تمام مالش را صدقه دهد و همه عمرش را حج کند، اما ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و همه کارهایش به راهنمایی او باشد، او را بر خدای عزوجل حق ثوابی نیست و از اهل ایمان نباشد.» (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۲، ۷۰).

۵.۴. زیارت اربعین تجدید پیمان وفاداری با امام حسین (علیه السلام)

معرفت به حضرت امام حسین (علیه السلام) و محبت به آن بزرگوار، زمینه ساز عهد و پیمان با آن امام همام می شود؛ زیرا عشق و ولایت بدون مسئولیت پذیری، هوسی بیش نیست.

عهد، التزام خاص و نوعی تعهد پذیری در مقابل شخص یا کاری است. عهد و پیمان با امام (علیه السلام) یعنی؛ خود را به وظایفی که نسبت به آن حضرت داریم ملتزم سازیم و با آن بزرگوار برای انجام خواسته ها و آرمان هایشان عهد ببندیم و آن عهد را با اسباب و وسایلی محکم کنیم (حر عاملی، ۱۳۶۶: ج ۱۸، ۴۴). و در نهایت با آنان بیعت کرده و دست در دست آنان نهاده از آنان پیروی کنیم. حضرت امام رضا (علیه السلام) به «ابی هشام داود بن قاسم جعفری» فرموده اند: «ای داوود بی تردید، ما به گردن شما به خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) حقی داریم و شما را بر گردن ماحقی است. پس هر که حق ما را شناخت،

حش بر ما واجب می شود و هر که حق ما را شناخت، حقی بر ما ندارد» (حرانی، ۱۳۶۶: ۸۱۰).

یکی از اصول نظام فکری اسلام، پیمان هایی است که از طرف خداوند آمده است؛ پیمان هایی مانند توحید، رسالت و نبوت پیامبران و قبول امامت و ولایت اوصیاء که از مهم ترین پیمان های ناگسستنی الهی هستند.

زیارت، همان تثبیت میثاق و تحکیم عهد رسالت و امامت است. زیارت عرصه بسیار مناسب و مؤثری در بازشناسی پیمان ها و تجدید و تحکیم این قراردادهاست. بدون شک بهترین عامل برای نهادینه کردن و تقویت بافت های ایمانی و الهی و التزام فکری و روحی و عملی مؤثر، زیارت است. همین پیمان هایی که میثاق حقیقی بین انسان و حقایق الهی ایجاد می کند و انسان در پناه این میثاق ها از لغزش و خطا مصون می ماند. این پیمان ها حلقه های ناگسستنی است، که انسان را از فرو افتادن در ورطه زشتی ها و پلیدی ها بازمی دارد و به عالم خوبی ها رهنمون می سازد.

در تمام زیارت نامه ها این پیمان به طور صریح آمده است. چنانکه در زیارت نیمه شعبان به یک یک ائمه سلام می دهیم و می گوئیم: «شهادت می دهیم که شما حجت و برهان های الهی هستید و من میثاقی را که با شما دارم تجدید می کنم و از خداوند میخوام تا ما را بر این عهد و پیمان موفق بدارد» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۷، ۲۶۶).

لذا؛ در زیارت اربعین حسینی می گوئیم؛ «اللَّهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُكَ اَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِابِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا بْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوْرًا فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُجَسَّكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّيْنِ وَاَرْكَانِ الْمُسْلِمِيْنَ وَمَعْقِلِ

الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنِّي بَكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۴۹) خدایا! من تو را گواه می گیرم که من دوست دارم، هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد. پدرم و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا! گواهی دهم که تو برستی نوری بودی در پشت پدران بلند مرتبه و رحم هایی پاکیزه که اوضاع زمان جاهلیت به آلودگی هایش که آلوده ات نکرد و از لباس های چرکینش به تو نپوشاند و گواهی دهم که برستی تو از پایه های دین و ستون های محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمان هستی و گواهی دهم که تو برستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته ای و گواهی می دهم که همانا امامان از فرزندان روح و حقیقت تقوی و نشانه های هدایت و رشته های محکم (حق و فضیلت) و حجت هایی بر مردم دنیا هستند و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است و کارم پیرو کار شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد. پس با شمایم نه با دشمنان شما، دروهای خدا بر شما و بر روان های شما و پیکرهایتان و حاضران و غائبان و آشکارتان و نهانتان باشد.

۶،۴. رستگاری زائر اربعین با آمرزش گناهان

انسان ها به خاطر وابستگی های دنیایی، خواسته یا ناخواسته دچار لغزش و گناه شده اند و این امر سابقه ای تاریکی در شناسنامه ذهنشان ثبت کرده است. از این رو حزن نسبت به گذشته و خوف از آینده آنان را راحت نمی گذارد. لذا؛ همه در جستجوی پناهگاهی امن هستند، تا بتوانند خود را آرام سازند.

از آنجا که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاندانش (علیه السلام) می توانند دستی بر گذشته کشیده و تیرگی های دل را بزدایند و با نگاهی به آینده افق روشن و مطمئنی در منظر ما بکشایند، زیارت پل ارتباطی چنین حقیقتی است، که خداوند در قرآن فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (قرآن، ۱۳۳۸: نساء، ۶۷) هیچ رسولی را نفرستاده ایم مگر این که به اذن الهی اطاعت شود و اگر مردم وقتی بر خود ستم کرده و معصیت نمودند، نزد تو آمدند و از خداوند طلب مغفرت کردند، پیامبر نیز برای آنها طلب مغفرت کرد، قطعاً خداوند را نسبت به گذشته توبه پذیر و نسبت به آینده رحیم می یابند.

نگاه عمومی ائمه معصومین (علیه السلام) بر این نکته توجه دارد که گذشته را با مغفرت و آینده را با شفاعت و همراهی خود در مواقع دشوار برزخ و قیامت امید می بخشد؛ که «ابن مسکان» از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرموده اند: «کسی که امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند، وجه الله به او رو می کند و خدا از گناهانش او را نجات می دهد مانند کودکی که تازه از مادر متولد شده باشد و چنین کسی را فرشتگان در طول مسیر همراهی می کنند و نیز فرشتگان الهی عفو و بخشایش را از پروردگار برای زائر امام حسین (علیه السلام) می خواهند و به زائر ندا می دهند که پاک شدی و پاک شد هرکس

تو را زیارت کرد و در میان خانواده اش نیز محافظت و مراقبت است (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۳۹۰).

پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) هم فرموده اند: «ای علی! کسی که مرا در حال حیات یا بعد از مرگم زیارت کند، یا تو را در حال حیات یا بعد از مرگ، یا فرزندان تو را در حال حیاتشان یا بعد از مرگشان زیارت کند، تعهد می کنم که در روز قیامت از سختی های آن روز آنها را نجات داده و در مرتبه خود در بهشت قرار دهم» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۷، ۱۲۳).

زیارت بامعرفت اربعین موجب آمرزش گناهان و سبکبالی زائران می شود، زیرا «مقابر ائمه (علیه السلام) محل حضور، شهود و عنایت جدی آن ارواح عالیه و اشباح برزخیه و نوریه است. آنان در ملأ اعلی شاهد قصه زیبای زیارت و ناظر بر اعمال زائرانند. نظارتی که هزاران خیر و برکت را به همراه دارد» (ملا محسن فیض، ۱۴۱۲: ج ۱۴، ۱۴۸۲). زائر اربعین به خاطر آن که به این یقین رسیده است که خداوند گناهان او را می آمرزد، احساس رستگاری می کند، که «زید حشام» از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرموده اند: «هر کس به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) بیاید، در حالی که مشتاق به زیارتش باشد، خداوند نام او را در زمره امان یافتگان در قیامت می نویسد و نامه عملش را به دست راستش می دهند، تا اینکه وارد بهشت شود. او زیر پرچم سیدالشهدا (علیه السلام) است و در بهشت در درجه سیدالشهدا (علیه السلام) ساکن می شود (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ۴۹۷).

۷،۴. زیارت بامعرفت اربعین عاملی برای برآوردن حاجات زائران حسینی حضرت امام محمدباقر (علیه السلام) فرموده اند: «همانا حسین (علیه السلام) صاحب کربلاست، او مظلومانه، غصه دار و لب تشنه عطشان کشته شد و بر

خداوند عزوجل است که هیچ دردمند و گرفتار و گناهکار و اندوهناک و لب تشنه و بیماری را برنگرداند، مگر اینکه درد و غمش را برطرف سازد و حاجتش را به او عطا کند و گنااهش را بیامزد و عمرش را طولانی کند و در روزیش گشایش ایجاد نماید» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۱۰۱، ۴۶).

قدرت و اختیار اولیاء الهی در تصرف و تسخیر پدیده های تکوینی بر اساس اعتقادات دینی و براهین عقلی و نقلی مسلم و غیر قابل تردید است. چنانکه در زیارت جامعه کبیره آمده است: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَيَّ الْأَرْضُ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۱: ج ۶، ۹۹) در سایه وجود شما اهل البیت است که باران می بارد و به برکت وجود شماست که آسمان در اوج خود بر زمین نمی افتد، تا آن را ویران کند و همه این ها به اذن و اراده الهی است و در سایه وجود شما همت ها و تلاش ها به نتیجه می رسد و بدی ها و مصائب از بین می رود.

برخی از روایات شرف و کمال انسان و برآوردن حاجات را در گرو زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیه السلام) می داند، مانند: زمانی که به سوی بیت الله الحرام حرکت کردید، پس از انجام مناسک، حج را به زیارت رسول الله تمام کنید، زیرا ترک زیارت او جفای به حضرت است و نیز حج خود را به قبوری که خداوند عالم حق آنها را بر عهده شما قرار داده است و زیارت آنها بر شما الزام کرده به پایان رسانید و از نزد آنها رزق و روزی دنیا و آخرت طلب کنید (شیخ صدوق، ۱۴۱۶: ۶۱۶).

از همین دیدگاه است، که همه دین باوران با حضور در مشاهده مشرفه از ارواح طاهره و نفوس زکیه آنان استمداد می جویند، تا در عبور از تنگناهای زمانه با هدایت و عنایت آنان راه را به پیش ببرند. لذا؛ درباره زیارت امام حسین (علیه

السلام) روایت شده است که موجب طول عمر و حفظ و صیانت جان و مال و سبب فزونی روزی و رهایی از سختی ها و برآوردن حاجت می شود (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۴۵).

برای برآوردن حاجات زائرین امام حسین (ع علیه السلام) که باعث رستگاری آنان می شود، ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرموده اند: «خداوند بزرگ برای قبر حسین (علیه السلام) هفتاد هزار فرشته را مأمور کرده که هر روز با حالت اندوه بر او درود بفرستند و در حق زوَّار آن حضرت دعاکنند و بگویند خدایا این ها زائران حسین هستند، حوائج شان را چه بگویند و چه نگویند برآورده ساز» (شیخ صدوق، ۱۳۹۲: ج ۲، ۵۸۱).

۵. یافته های تحقیق

زائر اربعین حسینی عقیده دارد، که حضرت امام حسین (علیه السلام) انسان کاملی هستند، که جانی ملکوتی دارند و پیوسته با عالم اعلی در ارتباط هستند. لذا؛ با عشق و محبت به زیارت آن بزرگوار می شتابد و دوستی خود را اظهار می کند و با بیزاری از دشمنانشان به صفات پسندیده روی آورده و از صفات رذیله دوری می جوید. همچنین؛ وظیفه خود می داند، به احترام دوستی با آن حضرت سنّت و سیرتش را بیاموزد و از اخلاق و منش و روش آن بزرگوار در رسیدن به رستگاری پیروی کند.

زائر اربعین حسینی کدورت و تیرگی های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری خود را در زلال عین الحیاه سیدالشهد (علیه السلام) می زداید.

آنچه از رهگذر زیارت بامعرفت اربعین حسینی نصیب زائران می شود، قابل توصیف نیست؛ زیرا در پرتو زیارت، حضور آن بزرگوار را در صحنه های مختلف

زندگی می تواند احساس کند و این حضورتا به جایی می رسد که تعلقات و وابستگی ها و عواملی که انسان را از مسیر کمال باز می دارد رها کرده و در اندیشه ساحت قدس الهی می شود. لذا، زیارت بامعرفت اربعین حسینی می تواند الگویی برای رستگاری انسان معاصر قرار گیرد.

۵. پیشنهاد

برای این که انسان معاصر از زیارت اربعین حسینی کاملا بهره مند شود و به قله های رستگاری صعود کن د، موارد زیر پیشنهاد می شود:

۱۰. شناساندن شخصیت والای سیدالشهدا (علیه السلام) و آشناکردن زائران با سیره و سنت آن حضرت.

۱۱. آشنا ساختن مردم از چگونگی زیارت بامعرفت اربعین حسینی از طریق رسانه ها به ویژه صدا و سیما و تهیه و بخش فیلم ها و سریال هایی در این زمینه با توجه به درک مخاطبان.

۱۲. شناساندن آثار و برکات زیارت اربعین حسینی از طریق رسانه ها.

۱۳. تشویق و ترغیب نویسندگان و هنرمندان به خلق آثار ماندگار و تأثیرگذار در زمینه زیارت اربعین حسینی.

۱۴. برگزاری اردوهای زیارتی و آگاهی دادن به زائران اربعین حسینی در این زمینه.

۱۵. راهنمایی های لازم توسط افراد آموزش دیده و با اخلاص در حرم مطهر آن بزرگوار.

۱۶. گنجاندن مطالبی با موضوع زیارت اربعین حسینی در کتاب های درسی از مقطع ابتدایی تا دانشگاه.

۱۷. زدودن غبار خرافات از برداشت های عامیانه از چهره زیارت اربعین حسینی .
۱۸. برگزاری همایش هایی با حضور اندیشمندان و صاحب نظران و ارائه راهکار هایی در این زمینه.
۱۹. آموزش به مسئولان کاروان های زیارتی و دفاتر گردشگری و چگونگی راهنمایی کردن زائران اربعین حسینی.
۲۰. آموزش آداب زیارت اربعین حسینی در مراسم مختلف مذهبی در مساجد و حسینیه های سراسر دنیا..

منابع

۱. انجیل: منبع الکترونیکی.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد بن قولویه، (۱۳۵۶). کامل الزیارات. نجف: نشر مطبعه المرتضویه، چاپ دوم.
۳. ابن شهر آشوب، (۱۳۷۴). مناقب. قم: نشر علامه، چاپ دوم.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۱). مراحل اخلاق در قرآن. قم: نشر اسراء، چاپ هشتم.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶). معرفت شناسی در قرآن. قم: نشر اسراء، چاپ چهارم.
۶. حرانی، (۱۳۶۶). تحف العقول عن آل رسول. ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: کتاب فروشی اسلامیه، چاپ سوم.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴). وسایل الشیعه. نشر دارالحیا، بیروت: نشر التراث العربی، چاپ اول.

۸. حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۳۶۶). اثباه الهداه بالنصوص والمعجزات. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۳۹۲ق). من لا یحضره الفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم.
۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۴۱۶). الخصال. تصحیح غفاری، قم: نشر اسلامی، چاپ اول.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۴۰۴). عیون اخبار الرضا. اول، بیروت: نشر مؤسسه الاعلمی.
۱۲. شیخ طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۱). تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه. بیروت: نشر دارالصعب و دارالتعارف، چاپ اول.
۱۳. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۴ق). مجمع البحرین. تحقیق احمدحسینی، قم: نشر بنیاد بعثت، چاپ دوم.
۱۴. قرآن، (۱۳۳۸). ترجمه الهی قمشه ای. تهران: نشر محمدعلی علمی، چاپ دوم.
۱۵. قمی، شیخ عباس، عباس بن محمد رضا، (۱۳۷۹). مفاتیح الجنان. تهران: نشر آفتاب، چاپ هفتم.
۱۶. کلینی، محمدبن یعقوب کلینی، (۱۴۰۱). الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: نشر دارالصعب و دارالتعارف، چاپ دوم.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۰). بحار الانوار. بیروت: نشر مؤسسه الوفا، چاپ دوم.
۱۸. محدث نوری، حسین بن میرزا محمدی تقی نوری طبرسی، (۱۴۰۷).

- مستدرک الوسائل. بیروت: نشر آل البيت (علیه السلام)، چاپ اول.
۱۹. ملکی تبریزی، جواد، (۱۳۶۸). المراقبات. ترجمه میرزا حکیم خسروانی، تهران: نشر فقیه، چاپ اول.
۲۰. ملامحسن فیض کاشانی، (۱۴۱۲). الوافی. تصحیح ضیاءالدین علامه، اصفهان: نشر امیرالمومنین، چاپ اول.
۲۱. معین، محمد، (۱۳۵۴). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر، چاپ پانزدهم.
۲۲. هجویری، عبدالکریم بن هوازن هجویری (۱۳۶۳). رساله قشیریہ. ترجمه ابو علی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هشتم.
۲۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق). غیبت. چاپ اول، مکتبه الصدوق، تهران.

